

## مشارکت شرقی

اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۹ برنامه موسوم به «مشارکت شرقی» را به ۶ عضو پیشین اتحاد جماهیر شوروی پیشنهاد کرد. بر اساس این برنامه اتحادیه اروپا می‌خواهد با اوکراین، مولداوی، بلاروس، ارمنستان، جمهوری آذربایجان و گرجستان واقع در منطقه قفقاز، روابط نزدیک تری داشته باشد. تمام این جمهوری‌ها که قبلاً در بلوک شوروی قرار داشتند، از زمان پایان جنگ سرد تا کنون هنوز تا حدودی تحت نفوذ مسکو قرار دارند. در پی سال‌ها مذاکره، سرانجام در روزهای ۲۸ و ۲۹ نوامبر سال جاری میلادی، اجلاس مورد بحث در ویلنیوس، پایتخت جمهوری لیتوانی، تشکیل شد. امتناع اوکراین از امضای قرارداد تجاری با اتحادیه اروپا، امیدهای اتحادیه را به یاس تبدیل کرد. قبلاً نیز ارمنستان از قبول عضویت وابسته اتحادیه اروپا منصرف شده و ترجیح داده بود به اتحادیه گمرکی روسیه ملحق شود. اتحادیه اروپا طرح‌های مشابهی را برای امضای توافقنامه با گرجستان و مولداوی تهیه کرده ولی هنوز این توافقنامه‌ها برای امضا آماده نیستند. در ماه مه سال ۲۰۰۹، یعنی کمتر از یک سال پس از آنکه روسیه در یک جنگ کوتاه مدت گرجستان را شکست داد و نیروهای گرجستان را از دو منطقه که جدایی خود از روسیه را اعلام کرده بودند بیرون راند، اتحادیه اروپا نقشه مشارکت با ۶ جمهوری سابق شوروی را طرح کرد. در این برنامه، دسترسی به بازار واحد اروپایی و لغو محدودیت‌های روادید منظور شده و تصریح شده که این مشارکت بر اساس «مجموعه‌ای از ارزش‌ها، اصول آزادی، احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و حکومت قانون» قرار دارد. ولی اصول ذکر شده بیشتر یک آرزو بود تا واقعیت، چون سیاستمداران اتحادیه اروپا از نقض فاحش حقوق بشر به‌خصوص در جمهوری‌های آذربایجان و بلاروس انتقاد کرده‌اند. با این حال اتحادیه اروپا حدود دو و نیم میلیارد یورو را به پروژه‌های مشارکت با جمهوری‌های سابق شوروی در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۳ اختصاص داده است.

## نگاه استراتژیک اروپا به شرق

هرچند هنوز ۶ کشور فوق‌الذکر به اتحادیه نپیوسته‌اند اما قراردادهای مشارکت گام مهمی در جهت عضویت آنها در اتحادیه اروپاست. این همان روندی است که چند کشوری که قبلاً جزو بلوک شرق بودند و اکنون عضو اتحادیه اروپا هستند، طی کردند. همین برنامه اکنون در جمهوری‌های یوگسلاوی سابق در حال اجراست. هنگامی که کشورها در جاده عضویت در اتحادیه اروپا قرار می‌گیرند - به طورمثال ترکیه - برای اجرای پروژه‌های توسعه میلیون‌ها یورو دریافت می‌کنند. ولی منافع ژئواستراتژیک دراز مدت نیز یکی از انگیزه‌های موافقت نامه‌های مشارکت اتحادیه اروپاست. جمهوری آذربایجان اکنون یک صادرکننده مهم نفت و گاز به اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. بنا بر این، یک همکاری اقتصادی با ثبات با منطقه قفقاز از نظر استراتژیکی برای اتحادیه اروپا مهم است زیرا در آینده این منطقه یک راه ترانزیت برای انتقال مقدار بیشتری انرژی از جمهوری‌های آسیای میانه خواهد بود.

## پوتین و احیای قدرت بزرگ

این در حالی است که سیاست‌های کرملین اصلی‌ترین مانع تحقق رویای‌های اتحادیه اروپایی در شرق این قاره است.

برخلاف آن چه در اظهارنظرهای مقامات روسیه اعلام می‌شد، روسیه شایستگی جایگاه یک ابرقدرت و حتی یک «قدرت بزرگ» را نداشت. روسیه نه تنها کوچک‌تر شده بود، بلکه خود را در یک وضعیت ژئوپلیتیکی جدید می‌دید که باید از ادعای یک کشور «یورآسیایی» که نیروی متوازن کننده (و یا حلقه اتصال) شرق و غرب است، دست می‌کشید. این امر برای مردم، نخبگان فکری و سیاسی روسیه که همچنان با ذهنیت‌های دوره شوروی و نوسالتاری «قدرت بزرگ» رفتار می‌کردند، قابل درک نبود. تحت این شرایط و برای پر کردن خلأ ناشی از حذف ایدئولوژی کمونیستی ایده‌های مختلفی از جمله «یورواتنیتیسم»، «همبستگی دموکراتیک»، «یورآسیانیسم»، «موازنه قوا» و گونه‌های مختلفی از «ملی گرایی» برای احیای موقعیت «قدرت بزرگ» روسیه توسط افراد و گروه‌های مختلف مطرح شد. بسیاری از این ایده‌ها به واسطه گرایش‌های ایدئولوژیکی و آرمان گرایی شدید و انطباق نداشتن با واقعیت‌های موجود با موفقیت همراه نبود. در دوره پوتین رویکرد احیای موقعیت «قدرت بزرگ» با تغییرات قابل ملاحظه‌ای همراه بود. او از ابتدای به دست گرفتن قدرت دستیابی به جایگاهی بایسته در فرآیند رقابت‌های جهانی و بازبانی جایگاه «قدرت بزرگ» روسیه را هدف دولت خود اعلام و برای عملیاتی کردن این هدف با انتخاب رویکردی عمل گرایانه تلاش کرد به

از نظر پوتین رقابت، مهمترین انگیزه برای روابط بین‌المللی است و سیاست او در قبال اوکراین نیز بر اساس همین مسئله است

